

آشنایی با فلسفه هنر و زبانی‌شناسی

ویژه آزمون کارشناسی ارشد هنر

مؤلف: سجاد باغبان ماهر

همکاران: بهاره غلامیان، پدیده عادلوند

آشنایی با فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی

سجاد باغبان‌ماهر

چاپ اول ۱۳۹۰

چاپ: میهن

۱۰۰۰ نسخه

شماره نشر ۱۳۵

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۰۳-۷۷-۲

ناشر همکار موعام



انتشارات ستوده، شماره ۲۵، خیابان ارک جدید، خیابان طالقانی، تبریز

کدپستی ۵۱۳۷۷۸۷۷۱

تلفن ۵۵۶۷۸۱۸

فاکس ۵۵۴۵۸۰۴

E-mail: sotodeh.pub@gmail.com

سجاد باغبان‌ماهر، همکاران بهاره غلامیان، پدیده عادلوند

آشنایی با فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی ویژه جوانان کارشناسی ارشد هنر

مشخصات نشر : تبریز: ستوده، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری : ۱۷۴ ص: مصور.

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۰۳-۷۷-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع : دانشگاه‌ها و مدارس عالی — ایران — آزمون‌ها

موضوع : هنر -- فلسفه -- راهنمای آموزشی (عالی)

موضوع : هنر -- فلسفه -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)

موضوع : زیبایی‌شناسی -- راهنمای آموزشی (عالی)

موضوع : زیبایی‌شناسی -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)

شناسه افزوده : غلامیان، بهاره

شناسه افزوده : عادلوند، پدیده

رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۰ ۵۱۶۳۶۵۳/پ ۷۲۲۵۳ LB

رده‌بندی دیویی : ۳۷۸/۱۶۶۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۸۱۱۶۱

۱	مقدمه
۵	فصل اول - فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی در یونان باستان
۳۱	نمونه سوالات فصل اول
۳۵	پاسخ تشریحی سوالات فصل اول
۴۱	فصل دوم - فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی در دوره مدرن
۵۴	نمونه سوالات فصل دوم
۵۶	پاسخ سوالات فصل دوم
۵۸	فصل سوم - ایدئال‌سزم آلمانی
۷۴	نمونه سوالات فصل سوم
۷۷	پاسخ سوالات فصل سوم
۷۸	فصل چهارم - نیچه: طفیان بر علیه مدرنیته
۸۲	نمونه سوالات فصل چهارم
۸۴	پاسخ سوالات فصل چهارم
۸۵	فصل پنجم - زیبایی‌شناسی مارکسیستی
۱۰۳	نمونه سوالات فصل پنجم
۱۰۵	پاسخ سوالات فصل پنجم
۱۰۶	فصل ششم - هایدگر
۱۱۲	نمونه سوالات فصل ششم
۱۱۴	پاسخ سوالات فصل ششم
۱۱۵	فصل هفتم - زیبایی‌شناسی دریافت
۱۲۹	نمونه سوالات فصل هفتم
۱۳۱	پاسخ سوالات فصل هفتم
۱۳۲	فصل هشتم - پسا مدرنیسم
۱۴۴	نمونه سوالات فصل هشتم
۱۴۶	پاسخ سوالات فصل هشتم
۱۴۷	۱۰۰ سوال برای خودآزمایی
۱۵۵	پاسخ سوالات خودآزمایی
۱۵۹	منابع

کتاب پیش رو با هدف آموزش گام به گام مفاهیم اصلی فلسفه هنر با زبانی ساده نوشته شده است که می‌تواند برای همه هنرمندان و دانشجویان هنر به ویژه برای داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد سودمند باشد. از آنجا که هدف اصلی کتاب آموزشی بوده است از ارجاعات داخل متن پرهیز شده و صرفاً فهرستی از منابع مورد استفاده در انتهای کتاب ارائه گردیده است.

در تالیف کتاب حاضر نکاتی در نظر گرفته شده که پیش از شروع به مطالعه، مروری بر این نکات مفید است:

الف- مخاطبین این کتاب دانشجویان یا فارغ التحصیلان رشته‌های هنری در نظر گرفته شده است. بنابراین منطقی است که فرض کنیم مخاطبان این کتاب قبلاً مطالعه فلسفی زیادی نداشته‌اند و در دروس دانشگاهی نیز این مباحث مطرح نشده است ولی اکنون باید به انبوهی از سوالات فلسفی پاسخ دهند. امیدواریم در صورتی که به توصیه‌ها و نکات مطرح شده در این کتاب توجه شود، یادگیری فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی در حد آزمون کارشناسی ارشد دور از دسترس نخواهد بود.

ب- فلسفه هنر و فلسفه به طور عام را چگونه می‌توان آموخت؟

اولاً مباحث فلسفی را صرفاً با فهم و ادراک می‌توان یاد گرفت و تلاش برای حفظ کردن جملات فلسفی به معنای یادگیری فلسفه نیست. متأسفانه تکیه بر حافظه برای آموزش فلسفه هنر در حال حاضر در میان دانشجویان هنر رایج است اما ما با ذکر مثال‌هایی از آزمون‌های کارشناسی ارشد سال‌های گذشته نشان خواهیم داد که تفهیم و ادراک مباحث فلسفی بهترین راه پاسخ‌گویی به سوالات است. بهتر است در همین ابتدای کار تصورات اشتباه را کنار بگذاریم؛ فلسفه نیز همانند ریاضیات بر فهم تکیه دارد نه بر حافظه.

ثانیاً آموختن فلسفه باز مثل ریاضیات نیاز به معلم دارد تا مفاهیم و موضوعات فلسفی را به ما تفهیم کند. بدون تفهیم مطالب و اصطلاحات خاص فلسفی، آموختن فلسفه بسیار دشوار و تقریباً غیر ممکن است.

ثالثاً معلم فلسفه می‌تواند یک کتاب آموزشی باشد. اما متأسفانه تا کنون در میان کتابهای منتشر شده به فارسی چنین کتابی تالیف یا ترجمه نشده است؛ منظور کتابی کاملاً آموزشی است که برای افراد غیر متخصص در فلسفه، نوشته شده باشد. به عنوان مثال یکی از کتابهای مهم در این حوزه که عموماً به عنوان منبع برای آزمون ارشد معرفی می‌شود، کتاب «حقیقت و زیبایی» نوشته استاد بابک احمدی است که ذیل عنوان «درس‌های فلسفه هنر» ارائه شده و نشان می‌دهد که ویژگی آموزشی دارد اما تورق مقدمه آن مشخص می‌کند که این کتاب، سواد فلسفی مخاطبان خود را در حد کارشناسی ارشد فلسفه در نظر گرفته و پس از آن به طرح مباحث خود پرداخته است. به همین دلیل چنان که تجربه نشان داده مطالعه این کتاب مهم، بدون سواد فلسفی قبلی، برای اهالی هنر، ناکارآمد و حتی در برخی موارد گمراه کننده بوده است.

رابعاً کتاب حاضر هیچ پیش فرضی برای دانش فلسفی مخاطب خود در نظر نگرفته است و برای مخاطبی نوشته شده که پیش از مطالعه آن، هیچ اطلاعات فلسفی ندارد. بنابراین مولف خود را موظف دانسته تا هر اصطلاح و مفهوم فلسفی را که به کار برده با ساده‌ترین زبان ممکن تشریح و توضیح نماید و سپس به کاربرد آن واژه در جایگاه فلسفی‌اش بپردازد. تجربه چند سال تدریس به این شیوه، موفقیت‌آمیز بودن آن را برای نگارنده به اثبات رسانده است. کتاب حاضر اولین تجربه در نوع خود می‌باشد که امید است مورد استفاده و استقبال قرار گیرد. مطالعه دقیق این کتاب در حکم معلم، راهنما و کلیدی است که می‌تواند برای فهم سایر کتابهای حوزه فلسفه هنر که فهرست‌شان در انتهای کتاب آورده شده مفید واقع شود.

ج- در حوزه فلسفه معمولاً کلمات و واژگان دارای تعاریف ویژه‌ای هستند که آن‌ها را تبدیل به اصطلاحات خاص فلسفی کرده و به آن‌ها بار معنایی بسیار عمیق و وسیعی داده است. بنابراین برای درک گفته‌های یک فیلسوف باید تعریف خاص او را از هر اصطلاحی دانست. به عبارت دیگر بایستی به یک تعریف مشترک از آن کلمه رسید تا انتقال معنی میان گوینده و شنونده به درستی صورت بگیرد. بدون این کار فهم فلسفی صورت نخواهد گرفت. مثلاً کلمه «ایده» Idea در زبان روزمره مترادف فکر و نظر به کار می‌رود اما وقتی همین کلمه در قالب نظام فلسفی فیلسوفی مثل افلاطون تعریف می‌شود، تبدیل به اصطلاحی ویژه با معنایی خاص می‌شود که توضیح کامل آن به چندین صفحه مطلب نیاز دارد و از نظر معنایی ربطی به معنای رایج در زبان روزمره ندارد. حال اگر خواننده یک کتاب فلسفی معنای این اصطلاح و اصطلاحات دیگر را نداند مسلماً از فهم اندیشه افلاطون درباره هنر ناتوان خواهد بود حتی اگر کل جملات او را حفظ کرده باشد. از سوی دیگر چون مباحث فلسفی زنجیروار به هم پیوسته‌اند، عدم فهم نظرات یک فیلسوف منجر به عدم فهم آرای فلاسفه بعدی می‌گردد. بدین ترتیب اگر کسی در فصل اول معنی «ایده افلاطونی» را نداند؛ در فصل سوم نیز مفهوم «ایده کانتی» را یاد نخواهد گرفت.

خواندن فلسفه و آموختن آن نیاز به قدری تعمق و تفکر دارد. با نگاه گذرا و شتابزده نمی‌توان فلسفه آموخت و بدون آگاهی فلسفی نمی‌توان سوالات آزمون را پاسخ گفت.

ماده امتحانی «فلسفه غرب و زیبایی‌شناسی» پنج سال است که به صورت یک ماده امتحانی مستقل مطرح می‌شود اما پیش از آن، همین مباحث، در قالب درس «نقد هنری و ادبی» مطرح می‌شده است. بنابراین برای اشاره به نمونه سوالات آزمون‌های سراسری و آزاد به تناسب موضوع، از سوالات آن درس نیز استفاده شده است.

د- هرچند تا کنون از سوی برگزار کنندگان آزمون کارشناسی ارشد هنر هیچ گونه مبنایی برای شکل و محتوای سوالات و یا طبقه‌بندی آن‌ها رایج نشده است اما با مرور دقیق سوالات سال‌های گذشته و با استفاده از تجربیات متعدد؛ در اینجا یک طبقه‌بندی از نوع سوالات آزمون ارائه می‌گردد که تصور می‌رود توجه به این طبقه‌بندی کمک موثری در جهت پاسخ گویی به سوالات باشد. بر این مبنا ما سوالات را به سه گروه تقسیم می‌کنیم:

گروه اول، سوالات آشنایی: همیشه در آزمون کارشناسی ارشد، سوالاتی وجود دارند که هدف آن‌ها محک زدن داوطلب از جهت آشنایی کلی با اسامی فلاسفه و نظریه پردازان و عناوین کتاب‌های ایشان است. دانستن اسم فلاسفه، عنوان کتاب‌ها، مکاتب و نظریه‌ها برای پاسخ دادن به این گروه از سوالات، کافی است. اگرچه این گروه آسان‌ترین سوالات آزمون است اما به خاطر پراکنده و وسیع بودن این اسامی صرف انرژی و زمان برای آن غیر منطقی است. پاسخ این سوالات به شکل ناخود آگاه و در خلال مطالعه به دست خواهد آمد:

مثال ۱ - واژه «استتیک» را به معنی زیباشناسی، نخستین بار چه کسی به کار برد؟ (آزمون سراسری - پژوهش هنر - سال ۱۳۸۴ - سوال ۳۸ و نیز آزمون فلسفه هنر - سال ۱۳۸۶ - سوال ۱۲۸)

(۱) بومگارتن (۲) فیلیسین شاله (۳) اشلاپرماخر (۴) هیدگر

پاسخ صحیح گزینه ۱ است. برای پاسخ به این سوال نه دانستن تعریف استتیک نیاز است و نه آشنایی با افکار و اندیشه‌های بومگارتن. ضمن آن که پاسخ به این سوال نیاز به تجزیه و تحلیل فلسفی نیز ندارد و هنگام خواندن یک جزوه یا کتاب راجع به فلسفه هنر، این نکته گوشزد می‌شود. تعداد این دسته از سوالات خیلی زیاد نیست و معمولاً اکثر داوطلبان به آن‌ها پاسخ درست می‌دهند به همین دلیل خیلی سرنوشت‌ساز و تاثیرگذار نیستند. سوالات مهم، آن‌هایی هستند که اکثریت یا پاسخ نمی‌دهند و یا احتمال پاسخ اشتباه به آن‌ها خیلی زیاد است.

مثال ۲- کدام فیلسوف از بزرگترین نمایندگان هرمنوتیک مدرن است؟ (آزمون سراسری-فلسفه هنر - سال ۱۳۸۶ - سوال ۱۳۶)

(۱) سارتر

(۲) گادامر

(۳) هوسرل

(۴) هایدگر

پاسخ صحیح گزینه ۲ است. در این مثال نیز با دانستن اینکه هر کدام از فلاسفه مذکور در کدام مکتب فلسفی قرار دارند به سهولت می‌توان پاسخ صحیح را پیدا کرد. بدون آنکه محتوای نظریات ایشان را دانست و یا حتی درک عمیقی از مفهوم فلسفه هرمنوتیک داشت. بهترین راه موفقیت در پاسخگویی به سوالات گروه اول، توجه به کلید واژه‌هاست که در هر فصل در مورد این کلید واژه‌ها توضیح کافی داده شده است.

گروه دوم، سوالات اطلاعاتی: بخش عمده ای از سوالات کنکور به سنجش اطلاعات داوطلبان می‌پردازد. آشنایی کامل و خوب نسبت به فلاسفه و نظریات ایشان و محتوای کتابهای فلسفی برای جواب دادن به سوالات این دسته ضروری است ولی نظری به تحلیل و استدلال در زمان پاسخ‌گویی نیست و با اطلاعات کافی می‌توان موفق شد.

مثال ۱- کدام فیلسوف معرفت را به سه بخش تنوریک، پراتیک و پوئتیک تقسیم کرده است؟ (آزمون سراسری فلسفه هنر، سال ۱۳۸۶، سوال ۱۴۰)

(۱) ارسطو

(۲) افلاطون

(۳) سقراط

(۴) هگل

مثال ۲- کانت در کدام نقد، بحث زیبایی را مطرح می‌کند؟ (آزمون سراسری فلسفه هنر، سال ۱۳۸۶، سوال ۱۳۱)

(۱) عقل نظری

(۲) عقل عملی و قوه حکم یا داوری

(۳) عقل عملی و عقل نظری

(۴) قوه حکم یا داوری

پاسخ مثال اول گزینه ۱ و پاسخ مثال دوم گزینه ۴ است. در این دو سوال پاسخگو باید با محتوای کتاب‌ها و نظریات اصلی فلاسفه مورد سوال آشنا باشد. مثلاً بداند که ارسطو فلسفه را به سه حوزه تقسیم کرده و درباره هر یک نظرانی را مطرح نموده که پوئتیک مباحث مربوط به شعر و هنر را شامل می‌شود. در مثال دوم نیز داوطلب باید بداند که عمده نظریات فلسفی کانت در سه کتاب مهم وی مطرح گردیده که تحت عنوان سه نقد شناخته می‌شود و کتاب یا نقد سوم او به نام قوه حکم یا نیروی داوری به مساله زیبایی و هنر می‌پردازد.

گروه سوم، سوالات تحلیلی؛ همانطور که قبلاً اشاره شد سوالات تحلیلی مهم‌ترین و سرنوشت سازترین سوالات کنکور، هستند که محفوظات و اطلاعات به تنهایی برای رسیدن به پاسخ صحیح کافی نیست و به دلیل نیاز به استدلال و تحلیل در لحظه پاسخگویی، اغلب داوطلبان را دچار اشتباه نموده و امتیاز منفی برایشان دارد. گاهی این گروه از سوالات تحت عنوان «سوالات بینشی» (در مقابل سوالات دانشی) مطرح می‌شوند.

مثال ۱- جمله زیر منقول از کدام یک از فلاسفه است؟ «بدون داده‌های حسی، فاهمه بی‌محتوی و بدون مقولات فاهمه، حس نایبناست» (آزمون سراسری - فلسفه هنر - سال ۱۳۸۶ - سوال ۱۲۵)

(۱) بارکلی

(۲) دکارت

(۳) کانت

(۴) هیوم

مثال ۲- این جمله از کیست؟ «ما در زبان زندگی می‌کنیم و هستی ما همان زبان ماست» (آزمون سراسری - فلسفه هنر - سال ۱۳۸۴ - سوال ۶۷)

(۱) دیلتای

(۲) فوکو

(۳) گادامر

(۴) هایدگر

پاسخ مثال اول کانت و پاسخ مثال دوم هایدگر است. اما به این گونه از سوالات چگونه می‌توان پاسخ داد؟ آیا باید همه جملات همه فیلسوفان و نظریه پردازان را حفظ کرد؟ البته که این کار نه امکان پذیر است و نه منطقی! پس راه حل چیست؟ از نظر ما، تنها راه، به دست آوردن درک درست و عمیق از نظریات فیلسوفان و مکاتب فلسفی و تحلیل صحیح هنگام پاسخ‌گویی است. این مساله را با پاسخ تشریحی دو مثال اخیر بیشتر توضیح می‌دهیم.

پاسخ مثال ۱: ابتدا باید ببینیم جمله چه مفهوم کلی‌ای را بیان می‌کند یا به چه کلیدواژه‌هایی اشاره می‌کند. در جمله مذکور کلید واژه‌هایی چون داده‌های حسی و مقولات فاهمه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر مطرح است. بنابراین داوطلب

باید توجه کند که کانت در کتاب «نقد عقل محض» در رابطه با شکل گیری مفاهیم از طریق داده‌های حسی در ذهن انسان بحث می‌کند و البته حواس را نیز وابسته به مفاهیم می‌داند و در ضمن درباره این موضوع و به این شکل، بارکلی، دکارت و هیوم بحثی نکرده‌اند. از این طریق و با تحلیل و استدلال می‌توان گوینده اصلی جمله را تشخیص داد.

پاسخ مثال ۲: بر خلاف مثال اول، در مثال دوم کلید واژه خاصی وجود ندارد. در اینجا باید به مفهوم جمله توجه کرد. تاکید بر زبان به عنوان جهانی که کل هستی انسان‌ها را احاطه کرده است، بیشتر در میان فیلسوفان پست مدرن و پساساختارگرا مطرح می‌شود. در نتیجه دیلتای که از فیلسوفان هرمنوتیکی است، کنار گذاشته می‌شود. از سوی دیگر باید دید که کدام یک از چهار فیلسوف ارایه شده در گزینه‌ها به فلسفه زبان توجه بیشتری دارد که این هایدگر است که توجه ویژه‌ای به زبان دارد به شکلی که یکی از ویژگی‌های فلسفی هایدگر توجه به زبان‌شناسی و اِتیمولوژی Etymology (پارینه‌شناسی) لغات است.

بدین ترتیب از طریق استدلال و تحلیل می‌توان به پاسخ صحیح دست یافت بدون آنکه نیازی به حفظ کردن تک تک جملات فلسفه باشد.

هـ - در انتهای این مقدمه سه نکته کوتاه را متذکر می‌شویم. اول اینکه مباحث مطرح شده در کتاب حاضر را می‌توان «تاریخ فلسفه هنر» نامید. فلسفه هنر به مباحثی همچون تعریف هنر، ویژگی‌های هنر، ارتباط هنر با حقیقت و ارتباط هنر با زیبایی می‌پردازد و هر فیلسوف متناسب با دستگاه فلسفی‌ای که برپا می‌دارد به این سوالات پاسخ می‌دهد. ما در این کتاب بیش از آن که در صدد پاسخ‌گویی به چنین سوالاتی باشیم، سعی خواهیم کرد پاسخ‌های مهم و جریان‌ساز فلاسفه به این پرسش‌ها را مرور کنیم از این رو بهتر است نام آن را به جای «فلسفه هنر»، «تاریخ فلسفه هنر» قرار دهیم.

دوم اینکه، سعی شده تمام مباحث و موضوعات مرتبط به فلسفه هنر به زبانی ساده و گویا و با شرح لازم ارایه گردد. در کنار مطالعه دقیق و چندباره مطالب کتاب حاضر رجوع به منابع و کتاب‌های مرجع که فهرست‌شان در انتهای کتاب ارایه شده، نیز می‌تواند بسیار مفید باشد.

سوم اینکه، تقریباً همه واژه‌ها و اصطلاحاتی که در این کتاب مطرح می‌شود از زبان‌های اروپایی وارد زبان فارسی شده و معمولاً مترجمان مختلف، بنا به سلیقه خویش از معادل‌های متفاوت برای هر واژه در فارسی استفاده کرده‌اند و گاهی دیده شده است که معادل‌های مختلف واژگان، موضوع سوال کنکور بوده است. بدین منظور و برای آشنایی خوانندگان محترم، سعی شده در مورد هر واژه، هم معادل لاتین و هم تمام معادل‌های رایج آن واژه به فارسی ذکر گردد. مثلاً اصطلاح دیکنسترکسیون Deconstruction در فارسی به واژه‌هایی چون ساختارشکنی، شالوده شکنی، بنیان افکنی، واسازی و غیره ترجمه شده که اگر داوطلبی نداند که همه این کلمات، ترجمه‌های مختلف یک واژه هستند، احتمالاً هنگام پاسخ‌گویی به سوالات دچار مشکل و ابهام می‌گردد.